

یکشنبه 1 تیر 1399 - 29 شوال 1441 - 21 ژوئن 2020

تأسیس "سازمان تبلیغات اسلامی" به فرمان "حضرت امام خمینی" (ره) (1360 ش)



تأسیس، "سازمان تبلیغات اسلامی" به فرمان "حضرت امام خمینی" (ره) (1360 ش)، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نهاد شورایی عالی تبلیغات اسلامی در اول تیرماه سال 1360، به صورت نهادی منسجم، مستقل و وابسته به ولایت فقیه با دستور امام خمینی (ره) و به منظور پرداختن به امر تبلیغات دینی و اشاعه معارف اسلامی به وجود آمد. این نهاد انقلابی در سیر تکاملی خود در 14 فروردین سال 1368 با نظر حضرت امام (ره) به سازمان تبلیغات اسلامی تغییر نام یافت. سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هدایت، سازمان‌دهی، پشتیبانی و نظارت بر تبلیغات دینی مردمی، تلاش در جهت احیا و اشاعه معارف و فرهنگ اسلامی، تأسیس مراکز اطلاع رسانی تخصصی، تبلیغی و دینی، سازمان‌دهی و اعزام مبلغ به داخل و خارج از کشور، نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم و انجام فعالیت‌های قرآنی و... از جمله وظایف سازمان تبلیغات اسلامی می‌باشد.

عزل بنه، صدر، از ریاست حمفه، با حکم حضرت امام خمینه، (ه)، (1360 ش)، پس از مدت‌ها، اختلاف بین مسؤولان انقلابی نظام اسلامی و بنی، صدر، رئیس جمهور خائن و طرفداران او، همچنین سوء مدیریت در جنگ و نیز موضع‌گیری علیه اهداف نظام اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) در 20 خرداد 1360، پس از مشورت با مسؤولان عالی رتبه نظام، وی را از فرماندهی کل قوا، که به نیابت از ولی فقیه در اختیار او بود، بر کنار نمودند. این عمل حضرت امام، واکنش منفی بنی، صدر را برانگیخت و به جای آن که در صدد اصلاح خود و پایان دادن به کارشکنی‌ها و مخالفت‌های خود باشد، به حکم امام بنی، صدر، را برانگیخت و به جای آن که در صدد اصلاح خود و نمایندگانی انقلابی مجلس شورای اسلامی گران آمد. از این‌رو در 24 خرداد، درخواست طرح عدم کفایت سیاسی او را در مجلس عنوان نمودند. در این میان هر چند برخی نمایندگان هوادار بنی، صدر و طرفداران او در خارج از مجلس، بر عدم طرح این مسأله در مجلس تلاش کردند ولی در نهایت، نمایندگان پیرو امام خمینی و نظام اسلامی در مجلس شورای اسلامی در 31 خرداد 1360 رأی به عدم کفایت سیاسی بنی، صدر داده و این حکم را به حضرت امام ارسال داشتند. فردای آن روز در اول تیرماه، حضرت امام خمینی (ره)، طی پیامی این مهره دست‌نشانده اجانب را از ریاست جمهوری عزل کردند. ایشان در آن پیام فرمودند: "پس از رای اکثریت قاطع نمایندگان مجلس به عدم کفایت سیاسی بنی، صدر، ایشان را از ریاست جمهوری عزل نمودم." بنی، صدر که از بازداشت و محاکمه خود هراسان بود، پس از پنج هفته اختفاء، با لباس و آرایش زنانه و با هماهنگی عوامل مزدور خویش و با ربودن یک هواپیمای متعلق به جمهوری اسلامی ایران، با کوله‌باری از خیانت به ملت، در 7 مرداد 1360 از ایران به فرانسه گریخت و در آنجا عملیات ضد نظام را با همکاری منافقین ادامه داد.

آغاز هفته قوه قضائیه "هفته عدالت" جهت ارج نهادن به مقام والای قضاء و قضاوت و تکریم از مقام شهید مظلوم، آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی، اولین مسؤول دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران، بنا به پیشنهاد قوه قضاییه، مبنی بر نامگذاری هفته اول تیرماه، سالروز شهادت آن بزرگوار، به عنوان هفته قوه قضاییه، این پیشنهاد در تاریخ 27 تیر ماه 1373 در شورای فرهنگ عمومی مطرح شد و به تصویب رسید.

تولد "سنایی غزنوی" عارف و شاعر بزرگ ایرانی (473 ق)، ابوالمجد محدود بن آدم سنایی غزنوی، شاعر بلند مرتبه، ی ایرانی و عارف مشهور و از استادان مسلم شعر فارسی است که در غزنین به دنیا آمد. وی در آغاز جوانی، شاعر دربار و مداح سلطان مسعود و بهرام شاه غزنوی بود. ولی بعد از سفر به خراسان و اقامت چندساله در آن دیار و دیدار با مشایخ تصوف، تغییرات شگرفی در او به وجود آمد و کارش به زهد و انزوا و تأمل در حقایق عرفانی کشید. بروز شخصیت اصلی سنایی از این اوان صورت گرفت و در این دوره به سرودن قصاید معروف خود در زهد و وعظ و عرفان و ایجاد منظومه‌های حقیقه الحقیقه و طریق التّحقیق و سیرالعباد و... توفیق یافت و نخستین بار، قصائد و منظومه‌های خاصی را به بحث در مسایل عرفانی اختصاص داد. تأثیر اشعار سنایی در تغییر سبک شعر فارسی و ایجاد تنوع و تجدد در آن غیر قابل انکار است. آثار او پُر است از معارف و حقایق عرفانی و اندیشه‌های دینی، زهد، وعظ و تمثیلات تعلیمی که با بیانی شیوا و استوار ادا شده است. وی (به احتمال زیاد) در سال 545 قمری در غزنین وفات یافت و در همان شهر به خاک سپرده شد.

تولد "ژان پل سارتر" فیلسوف و نویسنده معروف فرانسوی (1905 م)، ژان پل سارتر نویسنده معروف فرانسوی، در 21 ژوئن 1905م در شهر پاریس فرانسه به دنیا آمد. وی در خردسالی پدر را از دست داد و تحت نظر مادر و مادر بزرگش تربیت یافت. سارتر پس از اخذ دانش‌نامه خود به تدریس پرداخت و از 33 سالگی، فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز کرد. وی در سال بعد مجموعه داستان‌های کوتاه را تحت عنوان دیوان منتشر نمود و سپس خود، رمانی به نام تهوع نگاشت که باعث شهرت او شد. وی در این کتاب، اندیشه خود را درباره پوچی زندگی و آرزوهایی که به ناکامی و آشفتگی روح می‌انجامد، منعکس می‌سازد. وی هم‌چنین در مجموعه داستان‌های کوتاه دیدار نیز کسانی را توصیف کرده است که هر یک می‌خواهند به نحوی از زندگی

پوچ خود بگریزند، اما هر جا می‌روند به دیواری بر می‌خورند که راه گریزشان را ناممکن می‌سازد. سارتر در سال‌های بعد، به نشر عقاید خود پرداخت و در شمار رهبران مکتب اگزیستانسیالیسم یا اصالت وجود قرار گرفت. بر اساس این مکتب فلسفی، انسان و هستی او مرکز و غایت همه مسائل است. سارتر شالوده نظریات فلسفی خود را با تکیه بر آثار فلاسفه بزرگ جهان قرار داد. به نظر او، این فلسفه پاسخی به دردهای وی و دیگر ابناء بشر بود. پل سارتر می‌گفت: آن چه که من از زندگی دارم این است که فقط زنده هستم و این هم یک کیفیت خسته کننده است. من زندگی می‌کنم، فقط برای آن؛ که بمیرم. همه ما، وجودهای مجعولی در یک دنیای مجعول هستیم. وی درباره آزادی، می‌گفت: در این دنیای ماشینی، ما آدمیان محکوم به آزادی هستیم، اما این آزادی ما را مجبور می‌سازد که در جستجوی ذات واقعی خویش برآییم و رنج و ملال شخصی را با بزرگواری پذیرا گردیم. مذهب اصالت وجود سارتر را می‌توان به تسلیم شجاعانه در برابر سرنوشت توصیف کرد که تعبیر جدیدی از بدبینی برخی فلاسفه است، اما بدون گله و شکایت. وی می‌گفت، بگذارید بدین فکر خرسند باشیم که تماشاگران شیفته وجود هستیم، ولی با آنچه مشاهده می‌کنیم هیچ‌گونه نسبت اساسی نداریم. سارتر عقیده نویسندگان گذشته را که از زیر بار تعهد شانه خالی می‌کردند و به اصل هنر برای هنر معتقد بودند، طرد می‌کند و نظر چنین نویسندگان را که اگر هم جامعه را وصف می‌کردند، چون ناظری ساده یا دانشمندی بودند که اجتماع را آزمایشگاه خود می‌پنداشته‌اند، قبول ندارد. در نظر سارتر، عالم ادب نیز باید مانند هر امر دیگر، هدفی را دربرداشته باشد و از حال بی‌طرفی و بی‌غرضی بیرون و وظیفه خود را نسبت به عالم بشریت انجام دهد. افراد در نظر سارتر، اجزایی هستند که در هم تاثیر متقابل می‌گذارند و میان آنان تفاهمی است که موجب تشکیل روح کلی و واحد می‌گردد، پس هیچ کس نباید به کار دیگران بی‌اعتنا بماند. به عقیده او، در دنیا خدایی وجود ندارد و زندگی چیز بیهوده‌ای است. وی شخصاً آدم فوق‌العاده بدبینی بود با این حال، او ترجمان احساسات نومیدانه میلیون‌ها اروپایی است که زیر شلاق گرسنگی و بیکاری و عواقب جنگ، خرد و خسته شده بودند. پل سارتر نظرات خویش را ضمن یک سری کتاب، داستان کوتاه و قصه و نمایش‌نامه و مقالاتی منتشر می‌ساخت که بازتاب فراوانی در جامعه می‌یافت. همانقدر که فلسفه پل سارتر مورد انتقاد و اتهام قرار گرفته است، نوشته‌هایش هم از نظر بسیاری از مردم و منتقدین، ناپسند و هرزه است. بسیاری از جهان‌فلاسفه‌اش را فساد انگیز و غیراخلاقی شناخته‌اند به طوری که در سال 1948، نوشته‌هایش از طرف واتیکان، ضاله و گمراه کننده قلمداد گردید و برای هر کاتولیکی مطالعه آن ممنوع شد. علی‌رغم آن که سارتر همیشه از انسان‌گرایی دم زده است ولی به عنوان نمونه، وی بارها بر مظلومیت رژیم صهیونیستی اشک تماش می‌ریزد و از ستم اعراب، به ویژه آوارگان فلسطین که سرزمینشان غصب شده، ناله‌ها سر می‌دهد. سارتر، مدت‌ها نویسنده و فیلسوف مورد علاقه و باب روز بود، اما بعدها از این نفوذ کاسته شد و بر مخالفان عقاید او افزوده گشت. از دیگر آثار سارتر می‌توان از تخیل، بود و نبود، راه‌های آزادی، شیطان و خدا و اندیشه‌هایی درباره قوم یهود نام برد. ژان پل سارتر سرانجام در سال 1980م در هفتاد و پنج سالگی جان سپرد.